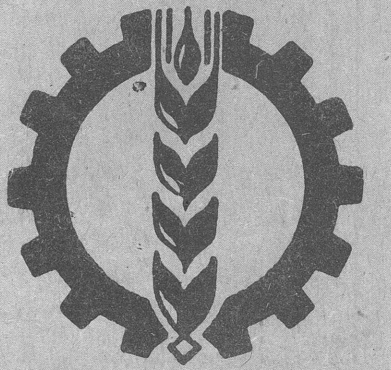


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نوروزی
شنبه اول حمل
۱۳۶۰
MARCH 21, 1981
شماره ۸۶
سال تأسیس ۱۳۵۹

بهاران خجسته باد

نوروز پر فروغ باستانی جشن زیبای بهاری کارورزی که را به همه هموطنان زحمتکش و همه رفقای حزبی صمیمانه شادباش میگوئیم.

جشن بهار، جشن کار و صلح

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، رئیس شورای انقلابی وصد راعظم ج.د.ا پیام بمناسبت حلول سال نو خطاب به مردم دلیر وعذابدیده وطن دیشب از طریق امواج رادیو وتلویزیون ایراد نمود که اینک بصورت مختصر بعضی از قسمت های آن تقدیم می گردد.

سال نو، جشن باستانی و زیبای نوروزی، جشن دهقان را از صمیم قلب بشما تبریک میگویم.

درسرزمین باستانی ما این جشن که مشحون از بهترین سنن تاریخی ماست، بمثابهٔ جشن بهار، جشن کار صلح آمیز، جشن آرزو های درخشان نسبت به آینده تجلیل می‌گردد.

بر طبق سنن و عنعنه در این روز نتایج کار در سال گذشته ارزیابی می گردد و وظایف سال آینده مشخص می‌شود. اکنون باید دید ارمغان سال پار برای ما چه بود وانتظار ما از سالی که در آستانهٔ آن قرار داریم چیست؟

هموطنان عزیز!

طی سالیکه گذشت ما تمام کوشش های خودرادر جهت بسیج همه نیرو های سالم و شریف وطن بخاطر تامین و تحکیم فضای نو، فضای قانونیت دموکراتیک، فضای اعتماد و همکاری بین نیروهای مختلف اجتماعی و ملی وفضای کار صلح آمیز و خلاق توده های زحمتکش کشور معطوف ساختیم، ما پلان سنجش شدهٔ دشمنان را که می خواستند کشور ما را درمنجلاب بحران عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سقوط دهند، خنثی ساختیم. مابه هیچکس اجازه نخواهیم داد که امید خام احیای دوران گذشته و حشت ونگ، ظلم و بیعدالتی را تحقق بخشد. دیگر آن دوران به گذشته ها پیوستند وهرگز بر نخواهد گشت ...»

«... در سال گذشته مساعی گسترده‌ای در جهت تاسیس جبهه و سیع ملی پدر وطن بعمل آمد. کنفرانس نیرو-های ملی ووطنپرست که در آن نمایندگان تمام طبقات اقشار وگروه های اجتماعی، نمایندگان تمام مردم نجیب وآزادهٔ ما اشتراک داشتند دایرگردید.

درسال نو ما مصمم هستیم کنگره جبهه و سیع ملی پدر وطن را که درآن از لحاظ ساز-مانی وحدت تمام نیرو های ملی، مترقی ووطنپرست و همه اقوام ملیت ها و قبایل ساکن کشور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تامین خواهد شد، در تحت یک پلتفرم مشترک بخاطر اعمار جامعه نوین، مستقل، دموکراتیک شگوفان و نیرومند افغانستان دایر نمائیم.

ایجاد جبهه وسیع ملی پدر وطن امکان سهمگیری عملی وواقعی کلیه نیرو های مترقی، دموکراتیک ووطنپرست را در امر رهبری ساختمان جامعه نوین میسر می سازد، منافع تمام طبقات، اقشار و گروه های اجتماعی جامعه وهمچنان منافع تمام ملیت ها، اقوام وقبایل ساکن درکشورمحبوب ما افغانستان پر غرور وانقلابی را انعکاس می‌دهد وفضا برای کار صلح آمیز بنفع توده‌های مردم را بو جود می آورد.

ما تمام مردم افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران، علما و روحانیون کرام، سرمایه داران و تاجران ملی و وطنپرست، تمام ملیت ها، اقوام و قبایل کشور را برای کار صلح آمیز و خلاق دعوت می‌نمائیم چه تنها کار صلح آمیز وخلاق است که ما را بسوی آینده تابناک ترقی و شگوفانی، برادری، دوستی وبرابری سوق می دهد.

ما از تمام کسانی که فریب تبلیغات توطئه آمیز و شعار های کاذب و عوام فریب دشمنان خوشبختی وسعادت مردم ما را خورده اند و به خارج از کشور رفته اند دعوت می نمائیم تابه وطن پر غرور انقلابی، مستقل وآزادهٔ خویش باز گشته سهم شایستهٔ

(ص ۲)



بهار شهیدان

بهار آمد، زمین گرم وجوان شد
دمن ها و چمن ها گلفشان شد
زنی زیبا، عروس داغ بر دل،
به سوی مرقد مردی روان شد

* * *

فراز قبر همسر لاله‌یی دید
در آغوش نسیمی مست، رقصان
غمش بالا گرفت و قلبش آتش
برآشفت وبه سختی گشت نالان:

* * *

الا، ای لالهٔ بیدرد گستاخ!
زمین کم بود که بر اینجا دمیدی؟
کدامین دین وآئین رخصتت داد،
چنین بد مستی بر قبر شهیدی؟

* * *

بزد چرخ و تبسم کرد لاله
به شعر رقص و خنده پاسخش داد
الا، ای نازنین! این من، توام، تو
نسیم همدمم، این تازه داماد.

* * *

شهید آرمان اوج هستی،
شکوفانگر نسیم جاویدان است
من و تو لاله های یک بهاریم
که از روح شهیدان ارمغان است

* * *

ضمان زندگی قربان شدن هاست
جهان پایا و پویا با نبرد است
یکی را با زرو بیداد وباطل
یکی را بایخو سرما نبرد است

* * *

به بزم ما سرود رزم برپاست
چو از پیکار خونین سر کشیدیم
همه ناموس هستی کارزار است
زخون خویش، رنگین پر کشیدیم

اول حمل ۱۳۶۰ (م.ع.ا.)

درود باد به باران...

به‌نخل تشنه بگو
که باد قبله
بیاورده بوی باران را
وشب
تمام تن خویش را
سپرده به خاک
درود باد به باران
که در مصاحبت خار
پاکدل ماندند
وبی دریغ تراز روز ها
لطافت خویش
به‌خار بخشید ند.

سال نو، سلام!

باز این زمین تند گام
برف را ز روی گرده می تکاند وبصد زبان
آفتاب را
می دهد سلام.

باز باد خوش خبر
از بهار پر شکفته میدهد پیام
میدود میان لاله ها عشق را
جامهایشان
می زند به جام.

باز ابر باردار
خیمه میزند بروی بام.

باز پرشکون مجلس بهار
بید میکند به رقص صوفیانه اش
گیسوان سبز فام.

باز نبض جویبار نقره میزند به تو دد علف
باگذار آبهای رام

روز میرسد
روز دیگری که از نوی گرفته نام

خاسته زجا
مردی به راه مردمی نهاده پا
در سرود
در صلا
سال نو، سلام
سال نو، سلام.

«سیاوش کسرائی»
اسفند ۱۲۵۸

بهار انقلاب

رهرو پیوسته پویای بهار سوار بر گردونه جوانه ها اینک فرارسیده است. بهار امسال، مگر سهمی از نور دارد که به‌پیشواز آن زمین داغ می شود، خاک عطر می پاشد و در رویشی سبز بر پا میشود.

بهار امسال مگر سهمی از فردا دارد که‌به پیشواز زمان درنگ میکند، لحظه ها زنگ میزنند وبرخاستنی چنین راکه شکوه و حشمت را سبکسار خت، حرمت می گذارد.

شوکت پر تمکین این‌بهار از آنست که مرز بلند دیروز را شکسته وبر دامن رنگین امروز رو ییده و امید پر شور زندگی‌پرورده وبه سوی فردای همیشه بهار راه گشوده است.

آری بهار امسال آینده را باخود آورده است .و جشن بهار امسال، جشن پر شکوه پیوند با آینده است.

آینده ایکه صدای گامهای آن اینک بر پشت گام های ما نشسته است و بر دست صمیمی آن بنفشه سعادت شگفته است.

باشوری همسان شوراین بهار، بر خیز هموطن!

بر خیز که بهار انقلاب‌براه ما میوزد، بر خیز که بر خاست طبیعت راهدار پیروزی ماست، بر خیز که رستنی چنین را نتوان شکست و رفتنی چنین راه را نتوان ببست بر خیز که‌خورشید در گامهای ماجاودانگی سرشته است.

بر خیز که‌زندگی در بر خاست مانهفته است.

بر خیزکه فردا، نسل ها فریاد خواهندکرد
درود هابه‌سبزه ها
درودها به راه مارونده ها.

(ن)

سبزینه‌یی برگردونهٔ زمان

گلها، باغ ها و علف ها، دوباره اینک، در رستا خیز پرتلالوی طلوع دوبارهٔ خویش، چنان رهایی ترین آهنگ‌در کلیت ارکستر سنفونی زمان، زاد روز دو بارهٔ رویش خودرا بر نعش بهمن سنگین و تنبل روز های زمستانی، به جشن نشسته‌اند.

آه! که چه زیبا ست. مادامیکه «اهریمن» سیاه انسان خوار زمان، که پیکر متعفن خودرا، با آنهمه زبونی و دحشتناکی، در زیر بال فرشته های نجات آرزو های بلند انسانی پنهان کرده بود و کفتار وار برحضیض ازسباعت‌ودرندگی، نقب زنان سینه های مالامال از امید به آیندهٔ تابناک مارا درین گوشهٔ از جهان، پاره پاره می‌کرد، نیز، از چکاد تفرعن تند یس های ابلهانهٔ خویش، بر ذباله گاه اصلی خویشتن خود، سقوط کرده است.

و چه زیبا ست! سبز شدن، رو ئیدن، جوانه‌زدن ودوباره بر سر انگشتان‌سبز باغها و کشتزارانی از پنبه‌زار ها، گندم زار ها و شالی پایه ها، سرود انسان‌معاصر را، در تمامت وارستهٔ کار رفیقانه به زمزمه نشستن وبه موازات آهنگ زیبائی که از فرود آوردن پتک بر گردن ستبر و نافرمان«آهن»کار-خانه بلند میشود، سرود این را که: من، دهقان. و تو کارگر، یک پیکریم برادر! را، باز بان دوستی، صلح، صفا و آدمیت ترجمه کردن و تاریخ‌شهادت‌شهیدان را که، چنان بلند پروازترین پرندگان‌جهان، درین پرستگاه خون آلوده، بخاطر اعمار جامعهٔ عدالت اجتماعی، صفا وصمیمیت بخاک وخون‌افتیدند، باکار وپیکار انقلابی مجدانه برای پیشرفت در همه زمینه ها، به‌تجلیل نشستن‌ودهنکجی های خوکمنشانهٔ کانگسترا ن بین‌المللی را، باگشایش راه های بهتر و نیکوتر، به‌سخره گرفتن!

اما، بگذار تابهار نو، ماه نو، سال‌نو، در دومین‌آغازه‌یی تداوم یافتهٔ صلح‌نو، میمنت نو، صفا نو و رفاقت نو تمام هموطنان را، در زیر بالهای سبز و قرمزین‌خویش، به سعی‌وکار و تلاش‌پاسدارد!

سرودیگانه

بهار میرسد و گل ترانه میخواند
سرود عشق بگوش زمانه میخواند
وطن حماسه مردان کار زار ترا
جهان و ملت افغان دوگانه میخواند
گل بهار و گل خون کشتگان امین
دوسرخ روی سرود یگانه میخواند
توای بلند دژ انقلابی دوران
که‌هر عقاب ترا آشیانه میخواند
دگر توکشور پیکارهاشدی وجهان
شعار سرخ تراجاودانه میخواند

ا ار ار ۱۳۶۰

سلیمان لایق

جوانه ها...

با جوانه‌ها نوید زندگی است
زندگی شگفتن جوانه هاست
هر بهار
از نثار ابر های‌مهربان
ساقه ها پراز جوانه می شود
هرجوانه ای شگوفه می کند
شاخه چلچراغ می شود
هر درخت پر شگوفه‌باغ...

(بقیه صفحه اول)

جشن بهار،...

خودرا در راه اعمار جامعه خوشبخت، دموکراتیک و رشد یابنده خویش ادانمایند. برای ما جای مسرت بی‌پایان است که‌عدهٔ کثیری‌ازهموطنان ما تاکنون به وطن محبوب خود عودت نموده و سال نورا بعد از تحمل رنج ها، اهانت ها و محنت های فراوان‌غربت درشرایط ننگین‌وضد انسانی‌ایکه مسئول آن تنها و تنها امپریالیزم وچاکران‌آن‌می‌باشند درحلقه مسرت بخش عزیزان واقارب خویش درفضای‌ازادی کامل واخوت استقبال می‌نمایند ...»

«هم میهنان‌عزیز، برادران وخواهران!

از رژیم های منفور گذشته یك اقتصاد عقب مانده‌وناتوان برای ما بمیراث مانده است. رفع عقب ماندگی اقتصادی افغانستان بدون رشد سریع نیرو های مولده کشورارتقاء سطح زندگی مردم، تحقق بخشیدن به دگرگونی های عمیق اجتماعی، اقتصادی و بالاخره بدون ایجاد و تحکیم پایه های جامعه نوین فارغ از استثمار انسان از انسان که بر مبنای قانونیت و اصل عدالت اجتماعی متکی باشد، امریست ناممکن.

بعد از پیروزی انقلاب ثور وبه خصوص مرحله نوین تکاملی آن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت ج.د.ا، تدابیر عاجل‌وبااهمیتی راجهت تکامل اقتصاد ملی و تسریع رشد اقتصادی کشور روی دست گرفتند.

مااطمینان کامل داریم که امروز همهٔ امکانات لازم جهت رشد اقتصاد ملی کشوربنفع زحمتکشان وجود دارد. ما تاکنون به پیروزی های‌معینی در زمینه رشد اقتصادی نائل آمده‌ایم. هر گاه فعالیت های خرابکارانه امپریالیزم‌جهانی وارتجاع، اجیران وباندهای خائن بمردم افغانستان وجودنمی داشت بدون شك این دست آورد ها و پیروزی ها بیشتر می بود. ولی درهرحال دشمنان ما به این آرزوی ناپاك خود که مانع تکامل و ترقی کشور شوند، نائل نگردیدند. مؤید این گفتهٔ ماپیشرفت هایی است که درسال ۱۳۵۹ نصیب مردم ما گردیده است.»

رفیق کارمل بعد از ارائه مختصری ارقام در زمینه‌سطح رشد محصولات زراعتی و صنعتی چنین اظهار داشت: درین سالروز نیك عنعنوی روی سخن ما بخصوص با دهقانان زحمتکش کشور است.

سنت دیر پایه‌ای است که سال نو، نوروز پر فروغ، جشن کشت و کار وروز دهقان نیز است و زراعت شالودهٔ اقتصاد کشور ما را تشکیل می دهد.

حکومت ج.د.ا کوشش‌های صادقانه و دائمی خویش را در زمینه حل واقعی دموکراتیك وعادلانه مسئله ارضی، کمك همه جانبه به‌دهقانان‌زحمتکش وتعمیق وحدت طبقات کارگر ودهقانان که پایه‌ها کمیت سیاسی ما را تشکیل میدهد، تعقیب نموده و خواهد نمود. درسال ۱۳۵۹ بمنظور ارتقاء سطح تولیدات و رشد سطح زندگی دهقانان زحمتکش‌وطن درقیمت خرید پنبه و لبلبو تزئید قابل ملاحظه‌ای بعمل آمد و قیمت کود و آلات و ابزار زراعتی کاهش یافت. به دهقانان کم زمین و بی بضاعت از طریق توزیع‌رایگان کود و تخم بذری معاونت بعمل آمد.

ما در آینده نیز به دهقانان زحمتکش در زمینه تهیهٔ تخم بذری، کود، آلات و ابزار زراعتی و سازماندهی درست خریداری اقلام عمده تولیدی آنان بصورت عادلانهٔ ارائه قرضه و غیره کمك های همه جانبه و بیدریغ انجام خواهیم دادوبه تحکیم و حدت‌دهقانان درچهار چوب کوپراتیف های زراعتی بمنظور انکشاف‌نیرو- های مؤلده زراعتی و بهبود شرایط زندگی آنها با جدیت وپشت کار کمك خواهیم نمود.

ما اشتباهات گذشته را که درساحهٔ اجرای اصلاحات ارضی رونما شده بوداصلاح می نمائیم و می خواهیم که دهقانان آزادانه برای خودو خانوادهٔ خود، نه به سود فئودال ها و اربابان کار نموده و باحاصل کار خود شرایط زندگی خود را بهبود بخشند.

قانون در بارهٔ تقسیم آب تحت تدوین بوده و عنقریب‌به منظور توزیع و استفادهٔ عادلانه از آب نافذ خواهدشد. ما دهقانان زحمتکش‌رادعوت می‌نمائیم تا تمام زمین های خویش را زرع نموده وزمین‌را بدون کشت باقی نگذارند. تولید محصولات زراعتی را به نفع خود، به نفع مردم، بنفع جامعه و دولت خویش افزایش بخشند.»

رفیق کارمل در بارهٔ‌اقدامات جدید حزب ودولت انقلابی ما در ادامه چنین گفت:

«به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و حکومت ج.د.ا به پیشگاه شماهموطنان شرافتمند و زحمتکش اعلام میدارم که سر از فردا معاش کارگران و مستخدمین دولتی بطور اوسط ۲۱٫۶ فیصد و معاش کارگران و مستخدمین کم مزد تا ۴۰ الی ۵۰ فیصد افزایش می یابد. آنعده از هموطنان ما که از این ازدیاد مستفید می گردند به ۱۷۷ هزار نفر می رسند. باید علاوه‌نمود که ماکولات کارگران، مستخدمین وماموران نیز به پیمانهٔ ۵۰ فیصد افزایش می‌یابد. بر طبق نورم جدید بیشتر از ۳۰۰ هزار نفر بصورت رایگان مواد غذائی دریافت خواهند نمود. ما متیقن هستیم که کارگران دهقانان و دیگر اقشاروطبقات ملی ووطنپرست کشورما این تدابیر حکومت‌رابا کارتولیدی بیشتر ومبارزه فعالتر در راه دفاع از دست آوردهای‌انقلاب ثور استقبال خواهندکرد...»

«... مبارزه دشوار ولی



پیگیر و دلیرانه ما برای ایجاد جامعهٔ نوین واعمار افغانستان شگوفان، نیرو مند، مستقل ودموکراتیك ازچگونگی‌اوضاع بین‌المللی، تناسب نیرو ها درعرصه جهانی بین نیرو- های امپریالیستی، ارتجاع سیاه وجنگ طلبان از یکسو ونیرو های دموکراتیك، ترقی خواه وطرفداران‌صدیق راه صلح از جانب دیگر جدایی ناپذیر است.

دراولین روز های‌پس از پیروزی انقلاب‌ثوروبالخصوص بعد از پیروزی مرحلهٔ نوین آن، نیرو های ارتجاع و امپریالیزم جهانی در راس امپریالیزم امریکا باپشتیبانی فعالانهٔ رهبری هژمونیستی چین جنگ اعلام نشده ای را علیه افغانستان بسط وتوسعه دادند. آنان اردوگاههای متعددی را ایجاد نموده و از آنطریق باند های ضد انقلابی متشکل از خائنین را تربیه، تسلیح و تجهیز نموده‌بمنظور خرابکاری وآدمکشی به خاك مقدس ما می فرستند. دشمنان مردم وانقلاب ما بخاطررسیدن به‌اهداف شوم خود با استفاده خاینانه از دین مقدس اسلام واحساسات مذهبی و ملی‌مردم ما در حالیکه در واقعیت امر هیچگونه ایمانی به دین‌مقدس اسلام و منافع واقعی مردم افغانستان ندارند، مردم مارا می‌فریبند. ولی مردم‌ما دیگر فریب این جنایت پیشگان را نخواهند خورد.

چندی پیش رئیس جمهور جدید ایالات متحدهٔ‌امریکاریگن باصراحت و بدون شرم اظهار داشت که از عناصر ضد انقلابی افغانستان حمایت و پشتیبانی می نماید و به آنها سلاح می دهد که این خود از مداخلت مستقیم ایالت متحده امریکا در امور داخلی افغانستان مستقل و آزاد نمایندگی می نماید. همین اکنون در نزدیکی سرحدات ما یعنی در خلیج فارس‌امریکا حضور نظامی خویش رابیشتر از پیش تقویت بخشیده‌است.

ما باتکاء اراده مردم دلیر وزحمتکش خویش ایمان راسخ داریم که تمام کوشش‌ها، توطئه ها و دسایس دشمنان مردم افغانستان مواجه به شکست و ناکامی خواهند شد. آنها موفق نخواهند شد جریان خستگی ناپذیر تاریخ را از گردش و حرکت بازدارند وافغانستان انقلابی پیشرو را درقید نظام های فرتوت و ظلمت بار گذشته در آورند وانقلاب ما را در خون غرق نمایند. زیرا توده های مردم بخاطر دفاع ازدست آورد- های انقلاب و بمنظور حفظ استقلال وآزادی وطن خویش بپا خواسته اند. چنین خلقی را هیچگاه نمی توان تحت تسلط در آورد.

ما در کار دشوار اما شرافتمندانه اعمار جامعه عادلانه نوین تنها نیستیم. کمك‌وپشتیبانی تمام نیرو- های مترقی، صلح دوست و دموکراتیك جهان و قبل از همه همسایه بزرگ و دوست دیرینه و صدیق خلق ما اتحاد شوروی ما را درین پیکار مقدس یاری می رساند.

در لحظات حساس ودشوار زندگی مردم ما، آنگاهیکه مسئله بود و نبود انقلاب‌وطن عزیزما، مسئله دفاع ازازادی واستقلال ملی کشور ما و دفع وطرد تجاوز جنایت کارانه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم مطرح‌بود، کشور بزرگ شوراها بصورت برادرانه و انترناسیونالیستی ما را یاری نمود. هنگامیکه کمك اتحاد شوروی که بر اساس معاهده دوستی، همکاری و حسن همجواری بین‌افغانستان‌واتحاد شوروی وبر طبق تقاضای حکومت ج.د.ا جهت دفع و طرد تجاوز خارجی‌بشکل‌اعزام قطعات محدود نظامی بکشور ماصورت گرفت، دشمنان انقلاب ومردم ما صدهااتهامات خاینانه و دروغین را برعلیه ما براه انداختند. ما یکبار دیگر بصراحت اعلام می‌داریم که علت وجود قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی درکشور ما در امر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ما در برابر تجاوز تدارك دیده شدهٔ امپریالیزم، نهفته می باشد البته وقتیکه به توطئه وتجاوز خارجی علیه ج.د.ا خاتمه دادشود وتضمین قابل اعتباری مبنی بر عدم تکرار آن ارائه گردد قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به کشور بزرگ صلحدوست خود عودت خواهند کرد.»

بعداً رفیق کارمل، ضمن صحبت در باره اهمیت‌دوستی افغان - شوروی چنین علاوه نمود:

«کمك های‌همه‌جانبه برادرانه وبی‌غرضانهٔ اتحادشوروی‌عامل بسیار مهم در جهت دفاع از دست آورد های انقلاب ثور وتامین شرایط لازمه جهت رشد مزید بعدی پروسه دگرگونی های انقلابی در کشور می باشد.

پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی از انقلاب ثورازجانب منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست وصدرهیئت رئیسه شورای‌عالی اتحاد شوروی رفیق گرامی‌لئونید - ایلیچ بریژنف درکنگره‌بیست وششم حزب مذکور در حوت ۱۳۵۹ یکبار دیگر با صراحت وقاطعیت اعلام گردید.

افغانستان یك کشور غیر متعهد و دارای عنعنه صلح دوستی می باشد. کشور ما در عرصهٔ جهانی از پروسهٔ تشنج زدائی جداً دفاع میکند وبرای جلوگیری ازبروزجنگ جدید جهانی، تشدیدمسابقه تسلیحاتی وبخاطرحل‌مسالمت آمیز منافشات‌ازطریق‌مذاکرات صرف مساعی می نماید. ما می خواهیم با تمام کشورهای جهان مناسبات دوستانه داشته باشیم و موضوعات لاینحل را از طریق مسالمت آمیز و دموکراتیك حل‌وفصل نمائیم.

ما خواهان بر قراری‌روابط نیك با همه کشور های منطقه بخصوص کشور های‌همسایهٔ خود می باشیم.

ما با جمهوری هندمناسبات عنعنوی دوستانه داریم. جمهوری دموکراتیك‌افغانستان به پاکستان و ایران مکرراً دست دوستی دراز کرده و پیشنهاد نموده است تابخاطر حل و فصل تمام مسائل حل ناشدهٔ موجود بدون تحمیل شرایط قبلی با ما مذاکره را آغاز نمایند ولی متاسفانه تا کنون جواب دقیق وواضح درزمینه دریافت‌نه‌نموده‌ایم.»

درآخر پیام رفیق کارمل بمناسبت حلول سال‌نو چنین آمده است:

«هموطنان ارجمند!

آرزو دارم سال نو، سال ۱۳۶۰ سال پیروزی های بزرگ نیرو های صلح، دموکراسی، ترقی و عدالت اجتماعی در سراسر جهان و سال اعتبار بیشتر وبیشتر موقعیت افغانستان در عرصهٔ بین المللی و سال خاتمه دادن به مناقشات نظامی باشد.

هموطنان عزیز، برادران وخواهران!

اکنون که شما مردم‌شریف وطن سال نو را استقبال می‌نمائید می توانید با افتخار و سربلندی تمام به اقدامات دولت انقلابی تان در سالی که گذشت نظر بیندازید. ما اطمینان کامل‌داریم که‌درآیندهٔ نه چندان دور تمام مشکلات‌را از سر راه خود دور ساخته‌و درکشور باستانی خود جامعه شگوفان مبتنی بر عدالت اجتماعی و سعادت انسانهارا اعمار خواهیم نمود. در سال جدید ما در راه انقلاب ثور مانند سالی که گذشت‌قاطعانه به پیش گام خواهیم گذاشت ما بخاطر رسیدن به اهداف انسانی انقلاب ملی و دمو- کراتیك کشور به انرژی، زحمات وارادهٔ مردم نجیب و قهرمان ما اتکاء داریم. بیائید درسالی که پیشرو داریم طوری باید کار، فعالیت و مبارزه نمائیم که در تاریخ کشور پر غرور انقلابی‌خویش همواره به آن ببالیم.»

درآخر یکبار دیگر رفیق کارمل حلول سال نو، نوروز باستانی و جشن دهقان را بهمه هموطنان شاد باش گفت.

بهار

چشمه از زیرسنگ جوشان‌شد
رود نیلو فری‌خروشان شد
بسکه بشگفته لاله درکهسار
دامن کوهها چراغان شد
دل ز باد بهار زنده شود
وزنوای پرندگان سحر
آدمیزاده چون پرنده شود
که کشاید بر آسمان‌ها پر
دشت سبز است و سبزه رنگارنگ
باید ازخانه‌سوی صحرا‌شد
یك‌دم آسوده ازهزاران درد
چشمه شد، رود گشت، دریا شد
کاشکی‌هرچه می کنم،احساس
گیرد آهنگ وبر زبان آید
تابگویم چگونه فصل بهار
یاد یاران مهربان آید

ژاله ۱۳۵۶

سرشار

مرابه آفتاب بسپار ...،
به‌آفتاب
که‌اززندگی سرشار است
وروی بام خانهٔ ما
گنجشك های عاشق‌رارسوا
می‌کند
آه! گنجشك‌ها و سوسه‌ام
می‌کند
وعطر بهار دور دست
مثل حس پرواز
درسینه‌ام می خزد
پوستم یك کویر خشك
است
پوستم عاشق آفتاب است
مادرم می گفت:
«تو طفل نامشروعی
که دریك سپیده
از تماس نگاه آفتاب
با زمین عاشق
بوجود آمدی»
اکنون چشمم به ابرهاست
منتظرباranم
باران که سبزم می‌کند
باران که میوه‌ام می‌دهد
باران که کاملم می کند
من تکامل را
مثل حس تنهایی
درشبی طولانی
دوست میدارم
آه ... این گلها
بوی این گلها
مثل بوی جفت
مستم می کند
بگذار پنجره باز شد ...
من دیگر
از تاریکی نمی ترسم

(ك . ج)

در ساحت سالی دگر

یکسال دیگر از تاریخ دوران انقلابی کشور ما گذشت و ما اینك در نو آغازی بهاران، در ساحت سال دگر پا می نهیم.

حافظه سالی که گذشت به‌عنوان تاریخ شگرف، رویداد های‌زیاد بهم پیوسته راثبت کرده است. سالی که‌گذشت« درسرود، درصدا» مردمی را که به پا خاسته اندو(براه مردمی) پا نهاده اند، تکرار میکند.

از رویدادها میگوییم، از آنچه که زیر آوار زمان با تمامی دشواریها راه‌انقلاب را، راه مردم را، راه پویش آینده را هموار کرد.

سالی‌گذشت، اما نه سالی عادی به‌سان تکراری بیهوده و تهی.

درین سال که ملالت سیمای درد دیده مردم را رها کرده‌و به‌وحشت وبیشرمی ها مهر پایان زده شده‌بود؛ یکبار دیگر مردم با باور برحق به انقلاب پیوستند و دفاع دلیرانه ازانقلاب جای یاس و دلمردگی،نارضایتی وحتی‌نفرت را فرا گرفت.

از رویداد های شگرف می گوییم، از برشگفتن ها وپیوستن ها، از خروشن همه گیر انقلابی از گروههای داوطلب مدافع انقلاب، از آموزش جنگی جوانان،و تلاش جانبازانه آنان، از نبرد های حماسه انگیز ستون بهم پیوسته نیرو های انقلاب، ازفریاد های زنده بادانقلاب، از هم آوایی نیرو- های گونه گون وطن‌پرست ومترقی واز مردمیکه‌گفتند: ما با انقلاب هستیم.

واز پیروزیها حرف‌میزنیم از کلافه های شکسته ضد انقلاب و نابودی ورد وجادوی عفریته های تاریخ معاصر کشور ما، از پیروزی بر تلاشهای وامانده دشمنان وپیروزی بر تحریکات خاینانه، از جنگ روانی که با تمامی وجوه و ابعاد دش با همه شایعه پراگنی ها و دروغگویی ها مردم‌را از جا تکان نداد وبی بضاعت وعقیم ماند و از همه فتنه های که نقش برآب شد.

واز حزب سخن می گوییم، ازرمز سرسختی‌آن‌که توانست دروجود خود ضرورت‌تاریخی را بیان کندو باهمه هجوم وتخطئه دشمن صحت رهبری وعمل خودرا به اثبات برساند. و ...

واقعاً سال گذشته باوجود انبوهی از دشواریها، موانع وناهمواری ها سال پیروزی- های‌بزرگ برای انقلاب بوده است. درین سال گل بانگ انقلاب باری دگر پهنای زندگی راوسعت دادو امید را دمید.

اما حالا در نقطه یی شگفت عزیمت. در ابتدای دیگری. واین بار نیز در بهارانی که«بازاین زمین تند گام، بر فراز روی کرده می تکاند» را هی شهر آفتاب میشنویم وبسوی آینده راه می‌سپریم.

ما به آینده خوشبینیم. آینده تضمین خوشبختی‌مردم ماست.

آنچه از دیروز آموختیم ما رایاری میدهد تابه فردا- هاایمان بیاوریم‌و هجاهای رنگین خوشبختی را تکرار نماییم.

سال آینده، انقلاب وپیروزی پیوند نوینی خواهد یافت‌و مردم‌درساختمان تاریخ آینده گامهای نوی خواهد برداشت.

اینك در آستانه فصل نوین و بهاری دگر آینده را با همه شیئیت و عظمت آن گرامی‌میداریم.

(س)

نوروز میلهٔ دهقانان

«زمین به دهقانان!»

نوروز، خاطره ایست پیوسته سبز از روزی سال‌دار که دورترین تلاش‌های متمرکز انسان جامعهٔ ما را برای کاشتن تخم زندگی در دل تاریخ، زنده میسازد.

از نوروز باید به منزلهٔ روزی تاریخی، مردمی و ملی یاد کرد.

نوروز به منزلهٔ روزی تاریخی تا دوران باستان میرسد و با آغاز تاریخ مکتوب سرزمین ما پیوند می ماند.

نخستین سکونت انسان در سرزمین ما به گذشته های خیلی دور میرسد ولی حدود ۹ تا پنجهزار سال قبل انسان سرزمین ما زندگی تصادفی و غارنشین را به طرف نظم و تمرکز ترك میگوید تقسیم طبیعت کار می شکند. نقش شکار به حیث منبع عمدهٔ زندگی پایان می آید و زمینداری ومالداری شناخته میشوند برچنین زمینه ای نظام بدوی و محدود طایفوی فرو می ریزد و از پی ازدیاد اهمیت زمین در امر تولید، تسلط انسان بر محیط پیرامون گسترش می یابد. در اوستا آمده است.

«ای زمین عزیز لطف کرده دراز شو، پهن شو، ومالدر مواشی و ستور و مردم باش»

ودرین مسیر بر پایهٔ تقسیم اجتماعی کار زراعت ومالداری بحیث دوشاخهٔ مستقل تولید از هم مجزا میشوند وبدینگونه کشتکار وکشاورز و زارع در مقام یك گروه مشخص اجتماعی نضج میگیرد.

این دوران بایک «مدنیت بسیط زراعتی» مشخص میگردد که در آن «زمینداری. باغداری،آبیاری ومالداری» وجود دارد.

رشد بعدی کشاورزی و مالداری با دومین تقسیم بزرگ اجتماعی کار در وجود جدا شدن پیشه وری از کشاورزی به تقویت هرچه بیشتر گروهبندی های اجتماعی و مشخص شدن بنیاد های روابط طبقاتی درین جامعه می انجامد.

این امر در تاریخ باستان، با مدنیت آریاییان، حدود ۳۰۰۰ ق.م، توافق میناماید ودر حاکمیت یما (جم یا جمشید) تبلور می یابد.

«جمشید همهٔ مردمانرا بر چهار گروه کرد: گروه دانایان ودبیران. گروهی کشاورزان و گروهی پیشه وران و هر گروه را بگفت هیچ کسی مباد که به جز کار خود کند».

«پیشرفت تولید در عرصهٔ زراعت و فلاحت به تمرکز وتجمع بیشتر گروه های انسانی و در نتیجه به کثرت نفوس انجامید و افزایش نفوس زحمتکش خود بر رشد تولید تاثیر گذارد و چنانچه در اوستا آمده است،

جمشید ناگزیر چند بار به «سوی روشنایی پیش رفت» و سرزمین خود راتوسعه بخشید.

این ها همه باعث میشده که زمین را گرامی بدارند و آغاز فصل چرا و کشت و کار رابه شادمانی برگزار کنند و آنرا نوروز نام نهند.

«جشنی که به هنگام آغاز فصل گرما یعنی وقتی که گله ها را از آغل ها به چمن های سبز و خرم می کشانیدند و از دیدن چهرهٔ دلارای خورشید شاد وخرم میشدند».

اعتقاد «اندر نوروز نخستین آنست که اول روزیست از زمانه. و بدو فلك آغازید گشتن».

و همچنان «نخستین روز است از فروردین ماه وزین جهت روز نو نام کردند زیرا که پیشانی سال نو است».

باستانی ترین این برگزاری ها بنام جشن نوروز یا نیروز در عهد جمشید و بعداً در عهد گشتاسب در بخدی یا بلخ برپا می شده است.

«گرچه در اوستا از نوروز نامی نیست ولی در دیگر کتاب ها از نوروز و مراسم آریاییان باستان یاد شده... و نوروز در عهد ساسانیان نیز برگزار می شده است».

بدنبال ظهور و نفوذ اسلام «نخستین خلفای اسلامی، شاید به علت مصروفیت به فتوحات اسلامی «به نوروز اعتنایی نداشتند».

«ولی آثار و قرائنی که در دست است میرساندکه پس از اسلام همواره جشن نوروز برپا می شده است و مراسم آن با تصرفات و تغییراتی از عهدی به عهد دیگر منتقل می گردیده است».

«خلفای اموی برای افزودن در آمد خود هدایای نوروز را ازنو معمول داشتند وآن را بر مردم تحمیل کردند».

در دوران عباسیان وازپی آن در عهد طاهریان و صفاریان وبخصوص در عهد سامانیان نوروز با شکوه خاص برگزار می‌شده است.

در عهد غزنویان جشن نوروز در معنای وسیع و کامل آن احیا گردید.

چنانچه منوچهری آنرا جشن شایسته و بایسته خوانده است.

گویند بابر شاه نوروز رادر کابل برگزار داحمد شاه ابدالی درین روز در عیدگاه کندهار تاجی از گندم برسر نهاد وتیمورشاه ابدالی این روز را بر کوه تخت شاه کابل بزرگ داشت وازآن به بعد نوروز را در زیر بالا حصار، زیر کوه شیر دروازه، باغ بابر شاه، دارالامان، دامنهٔ خواجه صفا، سخی، سیاه سنگ و کوتل خیرخانه برپا می داشته اند.

نوروز به منزلهٔ روزی مردمی برنقش و سهم بزرگ کشاورزان ودهقانان درزندگی اجتماعی کشور ما استناد می یابد.

کشاورزان از همان آغاز باوجود نقش عمده ایکه در تامین نیازمندی های جامعه داشته اند مورد ستم محافل وطبقات حاکمه قرار می گرفته اند.

«دهقانان و پیشه وران کار میکردند و مورد آزار قرار میگرفتند».

در اوستا آمده است:

«... آن بدکنش که جزاز آزار به ستوران ودهقانان کار دیگری از او ساخته نیست، هرچند که ازدهقان آزار به او نمی رسد».

«در میان اعیاد آنکه بیشتر قبولیت عامه داشت، چنانکه امروز نیز دارد، نوروز بود که آن را نوروز کوچک روز می گفتند، این جشن در آغاز سال بود، درین روز کسانی که کار می کرده اند دست از کار کشیده به استراحت وشادمانی می پرداخته اند».

پس این جشن از همان آغاز با شاخص های طبقاتی سر رشته شده و از همان آغاز نوروز مردم، بانوروز دربار تفاوت داشت و از آن جدا بود و چه بسا در مقابل دربار قرار میگرفت و حق می طلبید:

«نوروز به معنای روز نو است. و آن دو باشد: یکی نوروز عامه و دیگری نوروز خاصه.

نوروز عامه روز اول فروردین ماه است که آمدن آفتاب به نقطهٔ اول حمل باشد و رسیدن او به آن نقطه اول بهار است».

ولی نوروز خاصه یا نوروزبزرگ:

«و ششم فروردین ماه نوروز بزرگ دارند، زیراکه خسروان بدان پنج روز حق های حشم و گروه ها ن بگزاردندی و حاجت هاروا کردندی. انگاه بدین روز ششم خلوت کردندی خاصگان را».

در مورد «رسوم درباری» نوروز آمده است که:

«نوروز بزرگ، آنچه معروف است آن دانند که خسروان چون نوروز بودی بر تخت نشستندی و پنج روز رسم بودی که حاجت مردم روا کردندی و چون این پنج روز بگذشتی به لهو کردن و باده خوردن مشغول شدندی، پس این روز ازین سبب بزرگ کردندی».

تکامل روند تولید، کشاورز را از تحت ثقلت رنجباری نظام پدرسالاری در زیر تسلط «مستبد» دولت مرکزی می راند. اسارت او را دربند «بردگی همگانی»، ووابستگی او را به زمین تشدید می‌کند واز پی آن با رشد اولین زمینه های نظام ارباب رعیتی در سرزمین مادر کام وحشتبار و خورد کنندهٔ فیودالیزم فرو می برد.

کشاورزان و دهقانان نیز در سطح امکانات، آگاهی وتشکل خود با این تسلط استثمار گرانه و غیرعادلانه بمقابله بر می خیزند واین مقابله از جملهٔ بطرز غیر مستقیم در جشن نوروز منعکس میگردد و این روزبه روزنی برای بروز اعتراض وتشکل دهقانان وبه‌عرصه ای برای ظهور توقعات، خواست ها، نیازمندی هاو مهارت های آنان مبدل میگردد.

وبدینسان نوروز، بحیث روز حرکت عنعنوی مردم ما به طور خود بخودی برگزار می گردیده و بزگران ودهقانان در دورترین دهات برای استقبال این روز آماده می شده اند و در اکثر موارد دربار به‌برگزاری آن مجبور می شده است. سهم دربار درین روز هیچگاهی به معنای آشتی بین‌مردم ودربار نه بوده و دربار های بی فرهنگ نه فقط بررسوم و عنعنات مردم ما به مناسبت نوروز چیزی نیفزوده اند بلکه در طول زمان خیلی هم از آن‌کاسته اند.

بر پایهٔ همین محتوای طبقاتی و سرشت مردمی رفته رفته نام «میله»و «سیر» بحیث نام های‌مردمی تر، در مقابل نام جشن که رسمی تر است، بکار گرفته شده است.

واما نوروز، به منزلهٔ روزی ملی، از همه اولتر بر فرهنگ غنی ملی ماو بر سنن، عادات، رسوم، رواج ها و عنعنه های مردم ما اتکا می یابد.

نوروز روزیست که مردم ما آنرا بر پا داشته اند و با عادات و عنعنات و رسوم خود آراسته اند، ازین جهت جشن نوروز در چهرهٔ واقعی ومردمی آن جلوهٔ‌کاملی از فلکلور مردم ماست و همهٔ رسوم نوروز ازلباس منزه پوشیدن تا آب پاشیدن و شکر بخشیدن وخوراك مخصوص پختن واز فراز آتش جستن و به صحبت دوستان نشستن واز منزلت‌کار سخن گفتن و برای آغاز فصل کار خوشی وشادمانی کردن و قلبه کشیدن، وورزش نمودن‌رسوم‌یست مردمی‌وملی که‌درطول تاریخ گرچه بعضاً رنگ باخته است ولی بهرحال پائیده وتا ما رسیده است.

در آئینهٔ نوروز عظمت و غنای واقعی فرهنگ‌مردم ما منعکس است.

همچنان نوروز به منزلهٔ روزملی بر جنبش های ملی کشور ما بعد ازقرن هشتم میلادی اتکا می یابد درین، هنگام است که عنعنهٔ‌نوروز در معنای آریایی آن احیاء میشود و خصلت ملی بر آن افزود میگردد.

«در نتیجه ظهور ابو مسلم خراسانی و رویکار آمدن خلافت عباسی و نفوذ برمکیان و دیگر آریاییان وتشکل سلسلهٔ طاهریان، جشن های آریایی از نوررونق یافتند»

چنانکه گفته آمد، باستانی ترین برگزاری های نوروز، بنام جشن نوروز یا نیروز در عهد جمشید و بعدا در عهد گشتاسب در بخدی یا بلخ برپا می شده است، بعد ها مردم ما این روز را بانام میله گل سرخ در بلخ جشن می گرفته اندودرهنگامی نیز که سلطان حسین‌بایقرا در بلخ والی بوده این جشن برگزار می شده و ازمولانا آصفی هروی در موردقدامت میله گل سرخ ابیاتی‌موجود است.

بایقرا روضهٔ مبارك رادر قریه خواجه خیران، مزار شریف امروز، دریافت واز آن‌به بعد میلهٔ گل سرخ را به احترام حضرت علی (ك) در مزار شریف بر پا داشت.

ولی نام گل سرخ قدامت تاریخی بیشتری دارد، چنانکه از گذشتهٔ خیلی دور جشن نوروز به نام چارشنبه سوری در هرات بر پا می گردیده است وسوری به معنای گل سرخ می باشد.

هنگام میلهٔ گل سرخ در بلخ مراسم قلبه‌کشی وبزکشی واسپ سواری معمول بوده است.

میله نوروز در هرات‌بانام های میلهٔ تخت صفر، میلهٔ خیابان و مخصوصا میلهٔ چارشنبه سوری برگزار می شده که در آن تقریبا همه مردم اشتراك می‌نموده اند این میله شامل مراسم قلبه کشی، نهال شانی، کشتی، واسپ سواری نیز بوده و امروز نیز چنین مراسمی رایج است.

در غزنی، در عهدغزنویان این میله در باغ فیروزی و میدان شاه بهار غزنه برگزار می شده و نیزه زنی واسپ دوانی از آن روزگار بیادگار مانده است، امروزه نیز میله نوروز با نام میلهٔ روضه به اشتراك همه مردم غزنی بر پا میشود.

در پکتیا میلهٔ نوروز مانند امروز بانام میلهٔ شیربرات دایر می شده و اتن ملی‌نشان زنی واسپ سواری ازعنعنات آن بوده است.

در کابل چنانکه ذکر شده میله نوروز قدامت زیاد دارد، مردم کابل درین روز به قلبه کشی، نهال شانی بیل بازی، پهلوانی، اسپ دوانی، نمایش و مسابقات حیوانات، تخم جنگی، کاغذ پران بازی و ساز و سرودمی پرداخته اند.

برای اولین بار در دورهٔ امانی مراسم نوروز به طور واقعی و جدی برگزار شدو رسمیت یافت درین روزبرای اولین بار نطق ها و صحبت ها در فواید انکشاف زراعت صورت گرفت. محصولات دستی به نمایش گزارده شد، مسابقات و جوایز وضع گردید و «قواعدتوسعه تکثیر جنگلات و نباتات» تدوین یافت.

وچنین بوده که نوروز باستان، در محفل همیشه برپای تاریخ، دست به دست ونسل اندرنسل تا ما رسیده و عطر یاد اولین پیوند بارور انسان‌برومند جامعه ما را با زمین گرامی باخود آورده و خاطره نیاز سوخته دهقان رنجدیدهٔ ما را در درازنای تاریخ، در خود نهفته است.

ولی اکنون، بر دامنهٔ انقلاب مردمی ما، دهقان آزاد جامعهٔ مابر زمین آزاد گام می نهد، زمین، عشق صمیمانهٔ دهقان، ازین به بعد مال اوست.

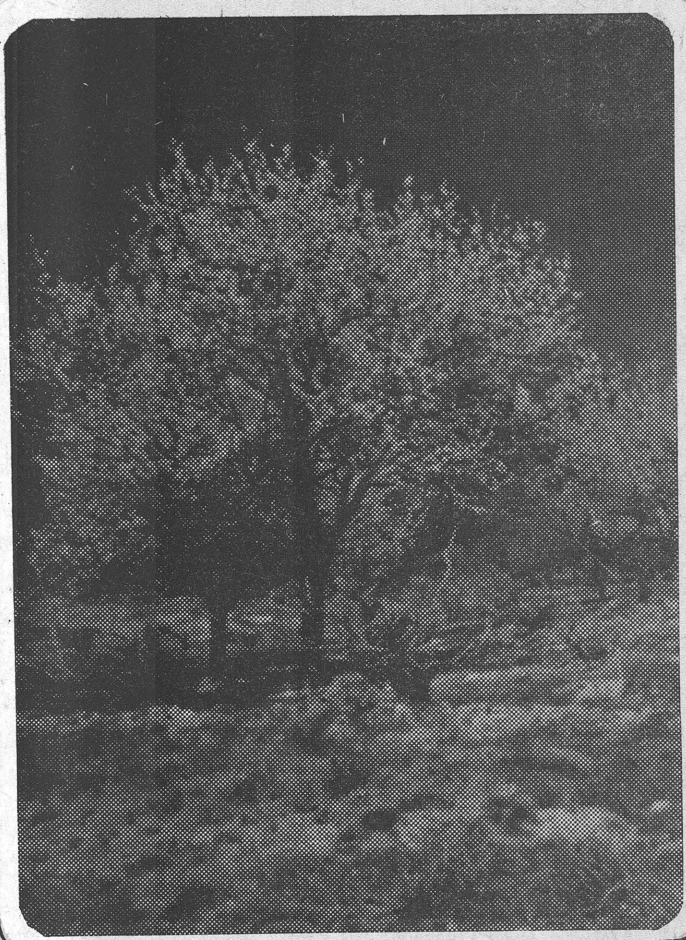
«ن»





برای درخت

تو قامت بلند تمنائی ای درخت
همواره خفته است در آغوشت آسمان
بالائی ای درخت
دستت پر ازستاره وجانت پراز بهار
زیبائی‌ای درخت
وقتی که باد ها
در برگهای در هم تولانه می‌کنند
وقتی که باد ها
گیسوی سبز فام تراشانه می کنند
غوغایی ای درخت



نهال‌ها را فراموش نکنیم

طبیعت چقدر زیباست، گل وسبزه، مستی دریا، نوای پرندگان، هوای خوش همه و همه را در چهرهٔ تابناك بهار پر برکت میتوان دید. بهاری که با خوبی هایش نکوتر از هر بهار دیگر است، برفهای پی در پی زمستان که فال نیک از سال پرفیض است در دل کوه ها جا گرفته است (سالی که نکوست از بهارش پیداست). دهقانان، باغبانان وهمه زحمتکشان و مردم وطن‌عزیز ما به رسم باستان به‌پیشواز بهار، امروز را در هر شهر وده، هر قریه و منزل جشن میگیرند و نهال می نشانند.

شاد و خندان باد دایم میلهٔ نوروز تان.

روز تان بهتر ز شب، شبهای تان ازروز تان

میلهٔ نهالشانی که از سال های خیلی قدیم در ملك ما رواج دارد با شور وشعف زیاد طی مراسم عنعنوی نخستین روز بهار برگزار میگردد. مردم با شهامت ووطن پرست ما حلول سال نو را همراه با اولین قدم بهار با دهن پر تبسم و قلب های پر از امید خوش آمد ید گفته خوشبختی‌ واقعی‌خویش رابیشتر از هرسال دیگر در آن مشاهده میکنند.

امسال مراسم نهال شانی در کابل، در ستدیوم ورزشی منطقه جشن، بنابر مرکزیت آن، برگزار می گردد، دولت انقلابی ما که‌از اهداف عمده آن یکی هم سرسبزی کشور عزیز ماست نهال شانی را در فارمهای متعدد جهت تولید چوب صنعتی مورد ضرورت ونهال های مثمر و غیر مثمر روی دست گرفته، چنانکه‌وزارت زراعت و اصلاحات ارضی در روشنی همین هدف سعی می ورزد تا هر گونه نهال های ثمر دار و تزیینی را به منظور تشویق و رفع نیازمندی های باغداران وعلاقه مندان عرضه نماید، چنانچه علاوه بر قوریه های دولتی سه محل دیگر را نیز (باغ بالا، خیر خانه و منطقه‌چمن) در شهر کابل تعیین کرده تا نهال های مورد احتیاج و قابل فروش را به صورت آزاد به ضرورتمندان در برابر قیمت نازل و معین عرضه بدارد.

انواع نهال هاییکه در غرفه های‌فروش‌عرضه میگردد از نوع مثمر آن:

چارمغز، گیلاس، سیب، ناك، شفتالو، زرد آلو و غیره و از قسم غیر مثمر آن صنوبر، نگرا، پاندروسا، موریان، سرو، بیدروسی وانواع اکاسی و غیره می باشد.

باید یاد آور شد که‌اکمال نیاز مندی های وزارتخانه هاو موسسات دولتی‌وقطعات عسکری و قسماً بنا روالی هانیز ازنگاه تهیهٔ نهال ازقوریه های ریاست جنگلات وعلفچر- ها تامین میگردد. قوریه پغمان‌ازجمله قوریه‌های‌مرکزی این ریاست به شمار می آید که در تهیه و عرضهٔ نهال بزرگترین خدمت را به باغداران و علاقه مندان‌انجام میدهد.

ولی آنچه درین میان در خور دقت و توجه است، سرنوشت و آیندهٔ نهال هاست نهالهایی که باید بزرگ شوند وبه ثمر برسند. در سال های گذشته نیز نهال توزیع میشد و شاید هم سرو صدای بیشتری پیرامون فواید این امر به راه می‌افتاد، اما با تاسف کلیه اقدامات در محدودهٔ غرس نهال باقی می‌ماند و چند روزی بیش نمی گذشت که همهٔ سخنان پر طمطراق در بارهٔ سرسبزی شهر وده به طاق نسیان سپرده می شد، نهال های بیچاره یا از تشنگی میمردند و یا نارسیده، به بهار دیگر می شکستند و شاهد مدعای ما نقش پا و اجساد خشکیده نهالهایی است که درسال گذشته کنار همه جاده های شهر غرس شده‌بودند.

آری! اگر امسال نیزنهال هارا سرنوشت سال پار در انتظار است اقدامات مفیدی که در فوق برشمردیم بیهوده و آن هدف عالی بر آورده ناشده خواهد ماند.

پس زحمتکشان و هم میهنان با درد! بیایید با صفای قلب در راه سرسبزی وطن دوست داشتنی مان، وطنیکه آرزوی حفاظت وسرفرازی و آبادی را از ما دارد، دست به دست همداده برای شگوفانی آن از دل وجان بکوشیم، نهال غرس کنیم و نهال های غرس شده را هرگزفراموش ننمائیم.

(فرید)



میهن مألوف دیرینسال ما در دوران نوبتی سیاره زمین بر محور خرشید، باز فصل رستنها و شگفتن ها، فصل زیبایی و پاکیزگی های بهاری رابه آغاز گرفت، صاحبان میلیونی این باغستان سر شار از استعداد سبزه و گل و شگوفه ومیوه ... همروند باشکوه به گل نشسته تناور درخت انقلاب ملی و دموکراتیك خویش، دور خرشیدی دیگر از زندگانی ملی خود را پیشواز گرفتند ماایمان راسخ داریم که این رستاخیز و شگوفانی بر شاخ و برگ امید ها واراده های همآهنگ هموطنان عاشق به زندگی و فردا های پر طراوت و نعمت میهن ما، بیش از پیش گسترش می یابد و «کار» زشتی برانداز و هستی آفرین ملت پر توان ما رادر بزرگراه انقلاب نجات بخش ما در ایجاد وطن نوین وزیبا نیروو تمرکز متکاملتری می بخشند.

گل حماسه‌ها

نخستین روز فروردین، سحرگاه:
به گرمی نخستین نور خورشید
فراز تربت پاك شهیدان

ابر مردان جاوید
گل حماسه های سرخ‌روئید

سحر گاه دگر، زان‌پیشس کورا:
به نورش گرم سازد مهرخاور
ویا در گوش اوخواندنسیمی

پیام فتح دیگر.

زرستا خیزهمر زمان‌سنگر

دو دست نازنین خم شد به‌سویش
دو شاخ نسترن هنگامه انگیخت
گرفت وپرپرش کردوببوسید

به اشك خویش آمیخت

به تابوت شهید قهرمان‌ریخت.
گل حماسه ها کز قهرمان‌زاد
چه خوش سر را به پای قهرمان داد

بارق شفیعی

بازتابهایی ازنوروز درادبیات کهن دری

نوروز. فریادیك گشایش است در مقطعی که زایش. بر بنا گوش فرسایش سیلی محکمی می کوبدوفصل‌ها بیدار میشوند وروز هاو شب های برابر و بارور میروند تازمین وگیاه رابیاری زمان برای آدمها و برای چارپایان بهره و رسا زند (این روز را نو روز گویند. زیرا که‌سر سال باشد و شب با روز برابر شود و سایه ها از دیوار ها بگذرد وآفتاب از روز نهاو فتد).

ولی نوروز قصه های دیگری هم دارد. ولی نوروز سالمند در کشور سالمند ما، در انبوه افسانه هاواسطوره ها چنان لمیده است، که با این مختصر حقش ادا نمیشود.

چرا که نوروز بدانگونه آوازه داشته است که پایش را از گلیم تاریخ‌بیرون‌کشیده وهاله یی‌از افسانه ها آنرا در خویشتن پیچانده‌است:

«وچنین گویند: جمشید (یما) از حرب‌سیاهان‌ودیوان- اندر این روز باز آمد.

باظفر وپیروزی وغنیمت فراوان آورد، پس آنروز که جواهر غنیمت آورده بود بر تخت خویش انبار کردتاهر- کس ببیند وآفتاب ازروزن‌اندر افتاد و بران جوهر وزرافتادو همه خانه ازعکس آن روشن گشت.

بدین سبب. اورا (شید) لقب کردند وشید بپارسی روشنایی بود و آفتاب را بدین سبب خورشید گویندکه قرص آفتاب باشد وشید روشن واندر ین‌روز جای هارا آب زنند. که این روز. نام فرشته یی است که‌برآب‌موکل است.»

(عبد الحی گردیزی)

به جمشید بر گوهر افشاندند
مرا آنروز را روز نو خواندند
سر سال نوهرمز فرودین
برآسوده از رنج تن. دل زکین
بزرگان بشادی بسیارستند
می جام ورا مشگران خواستند
چنین روز فرخ از آنروز گار
بمانده‌از آن خسروان یادگار

(فردوسی)

هر چه زیور بود گلهای بهاری آن همه
بر دبر گلهای باغ و راغ نوروزی به کار
بر خور از نو روز خرم برخور از بخت جوان
بر خور از عمر گرامی بر خور از روی نگار

(فرخی)

برزن غزل نغز ودل انگیز ودل افروز
واینست ترا بشنو از مرغ نوآموز

(منو چهری)

جشن فرخنده فروردین است
روز بازر گل ونسرین است
آب چون آتش عود امروز است
باد چون خاك عبیر آگین است

(ابوالفرج رونی)

کمتر سخنور زبان دری را میتوان سراغ کردکه بهار را نستوده باشدو نو روز را، گشایش بهار راوفصل‌رستن را وآغازتولد دوباره‌طبیعت را نستوده باشد.

نو روز فقط یك روز نیست رستاخیز روز هاست و روز همایون وفرخنده ست. روز خوشبختی است و سخنورما وقتی که‌از نوروز سخن میزند گویی از خود خوشبختی سخن میزند:

همه ساله بخت‌توپیروزباد
همه روز گارتونو روز باد

زیر نظر هیأت تحریر
مدیر مسؤول: محمود حبیبی
تیلفون: ۲۲۷۴۸
سکرتر: ۲۴۷۱۵

آدرس: رو بروی‌وزارت امورخارجه
صندوق پستی: ۷۸۰
حساب بانکی: ۱۰۱۸ بر ۹
تیلفونها:
معاون: ۲٤۳۵۵
سکرتر مسئول: ۲۰۲۷٤
خبر نگاران: ۲۲٦۵۹
اداری: ۲٤۵۷۵
شکایات توزیع ۲٦۸۵۹
صبح روزهای یکشنبه‌سه شنبه و پنجشنبه نشر می شود.

قیمت دو افغانی
چاپ‌ویب آفسیت مطبعهٔدولتی